

سردار اسماعیل کوثری از ارزش‌ها و اصول حاکم در دوران دفاع مقدس می‌گوید

انگیزه الهی، تبعیت از رهبری و روحیه ایثارپیشران‌های دفاع مقدس بود

رضوانه رشابی‌پور
خبرنگار

هرساله در هفته دفاع مقدس و در کنار ویژه برنامه‌های مختلف متناسب با این مناسبت، این دغدغه هم مطرح می‌شود که آیا در طول سال‌های بعد از جنگ توانسته‌ایم ارزش‌ها و مؤلفه‌های پیروزی بخش در دفاع مقدس را به نسل‌های بعدی منتقل کنیم؟ سردار اسماعیل کوثری که خود از فرماندهان جنگ بوده و حالا در کسوت نمایندگی مجلس ایفای وظیفه دارد، پاسخ مثبتی به این سؤال نمی‌دهد و معتقد است باید اقدامات عملی‌تری در این زمینه انجام داد. گفت‌وگو با کوثری درباره ارزش‌های بنیادین دوران دفاع مقدس و اهمیت انتقال آن به نسل‌های بعدی را در ادامه می‌خوانید.

■ چرا هر ساله سالگرد حمله رژیم بعث عراق به ایران را تحت عنوان هفته دفاع مقدس گرامی می‌داریم، فلسفه این یادآوری و گرامیداشت چیست؟

در ۳۱ شهریور ماه سال ۵۹ جنگی ناخواسته و نابرابر آغاز شد. ابرقدرت‌ها و کشورهای مرتجع منطقه و صهیونیسم بین‌الملل آمدند تا ملتی را که به‌نازکی انقلاب کرده و به پیروزی رسیده بود، سرنگون سازند. هرچند این رویداد با شهادت هزاران نفر از هموطنان‌مان و خسارت‌های مالی فراوانی همراه بود اما یادآوری آن، مرور اتفاقات خوشایندی هم هست که در آن روزگار رخ داد.

در گذشته، هر زمانی که بیگانگان به کشور ما حمله کردند قسمتی از خاک ایران را جدا ساختند و این امر هم در اثر بی‌عرضگی سران قاجار و پهلوی رخ داد. اما این بار چنین اتفاقی رخ نداد. همه همراه عراقی‌ها بودند. به‌غیر از سوریه که به معنای واقعی از ابتدا تا انتهای جنگ تحمیلی با ما همراه بود و یکی، دو کشور دیگر مانند لیبی و کره‌شمالی که آنها هم تقریباً همراه ما بودند و البته در قبال

دریافت پول به ما تجهیزات می‌دادند، بقیه کشورها پشت سر صدام و ارتش بعث عراق قرار گرفتند تا جمهوری اسلامی را ساقط کنند. اما ما؛ یعنی در اصل نیروهای مسلح و مردم عزیز ایران در قالب نیروهای بسیج مستضعفین به فرماندهی حضرت امام (ره) نگذاشتیم که یک وجب از خاک کشورمان برخلاف دفعات قبل در اختیار دشمن باقی بماند و با قدرتی که برخاسته از انگیزه الهی رزمندگان بود و با توکل به خدا و توسل به انمه معصومین (ع) توانستیم که جنگ تحمیلی را تبدیل به دفاع مقدس کنیم. ما جنگی را شروع نکردیم و فقط «دفاع»

کردیم و این جنگ «مقدس» بود چرا که نیروهایی که به جبهه‌ها می‌رفتند واقعاً هیچ چیزی برای خود نمی‌خواستند. نه تنها چیزی برای خود نمی‌خواستند بلکه از دارایی‌های خودشان هم به جبهه می‌آوردند. مقدس بود چرا که رزمندگان نماز شب می‌خواندند. بچه‌ها با اعتقادات خود نگذاشتند یک وجب از خاک کشورمان در دست دشمن باقی بماند.

در همین دلیل است که همه ساله در چنین ایامی این موضوع را برای نسل‌های بعدی یادآوری می‌کنیم تا بدانند انسان‌هایی بودند که با دستان خالی و تنها با یک انگیزه الهی و اعتقاد راسخ به اینکه

«ما می‌توانیم» حماسه آفریدند. در واقع تحت رهبری ولی امر مسلمین کاری شد که خارجی‌ها از کرده خود پشیمان شدند که چرا اساساً این جنگ را بر ما تحمیل کردند. تحلیل آنان این بوده که طی سه روز استان خوزستان را می‌گیرند و ۷ روزه هم به تهران خواهند رسید. ولی آنچنان ضربه‌ای بر پیکره اینها از سوی رزمندگان اسلام وارد شد که در خواب‌شان هم نمی‌دیدند.

■ شما به انتقال این تجارب به نسل‌های دیگر اشاره کردید. در حال حاضر با شرایطی مواجه هستیم که شاید یکی، دو نسل از این‌ها با فضای جنگ آشنایی نزدیک به اصل معنا که درگیر آن بوده باشند، ندارند. به نظر شما شیوه‌های تجربه شده در انتقال مفاهیم ارزشی دفاع مقدس به نسل‌های جدید کفایت می‌کند یا باید شیوه‌های جدیدتری را هم تجربه کرد؟ آیا موفقیتی در انتقال ارزش‌های دفاع مقدس به نسل‌های جدید انقلاب داشته‌ایم؟

ما نمی‌توانیم بگوییم که در این مسیر موفق بوده‌ایم. چرا که انتظار ما بیش از اینها است. متأسفانه دستگاه‌های فرهنگی قاسم را هم نداشتند و نامردانه و همچون

به جای اینکه به این مسأله بپردازند به موضوعات دیگری معطوف شده و توجهی به این مهم ندارند. اما این کار تا حد زیادی توسط خود رزمندگان صورت گرفت. نیروهای مسلح که از خود مردم برخاسته بودند به جای راه‌های تئوری و انتقال تجارب از طریق کلامی به شیوه عملی روی آوردند.

■ مهم‌ترین عناصر یا مؤلفه‌های ارزشی که در دوران دفاع مقدس برجسته بوده و در حال حاضر باید آنها را بازگوی و نشر داد چه مواردی است؟

اصلی‌ترین عنصر، هدایت و رهبری ولی امر مسلمین و اطاعت صادقانه و خالصانه از ایشان بود. عنصر مهم دیگر الگو قرار دادن عاشورای سال ۶۱ هجری قمری در مقابله با زورگویان بود. حضرت امام گفتند: «شما می‌توانید» و توانستیم. و جز شکست آنان هیچ راه دیگری نیست حتی مذاکره به نتیجه نخواهد رسید. لذا اینجا باید ضربه محکمی بر پیکره دشمن



فرماندهان جنگ اینگونه نبودند که خود عقب بایستند و دستور حمله صادر کنند و بگویند «بروید». همیشه خود حرکت می‌کردند و به بقیه هم می‌گفتند که «بیاوید». آنان راهنما بودند و خود جلوتر از نیروها راه می‌افتادند. همین امر باعث می‌شد رزمندگان بدانند که دقیقاً باید کجا بروند و به چه هدفی برسند

وارد کنیم تا بفهمند با قدرتی روبه‌رو هستند که به این راحتی زیر بار حرف زور آنها نخواهد رفت. عنصر دیگر، خلاقیت و ابتکار نیروها و مخصوصاً فرماندهان ما بود. فرماندهان جنگ اینگونه نبودند که خود عقب بایستند و دستور حمله صادر کنند و بگویند «بروید». همیشه خود حرکت می‌کردند و به بقیه هم می‌گفتند که «بیاوید». آنان راهنما بودند و خود جلوتر از نیروها راه می‌افتادند. همین امر باعث می‌شد رزمندگان بدانند که دقیقاً باید کجا بروند و به چه هدفی برسند. درست است که تعداد زیادی از فرماندهان ما به شهادت رسیدند اما همین امر باعث موفقیت جبهه ایران شد. همه این موارد اگر همچنان آویزه گوشمان باشد قطعاً به همان روزهایی که برای کشورمان خودکفایی به ارمغان آورد باز خواهیم گشت. خودکفایی‌هایی که ما را از اتکا به بیگانگان رها کرده بود می‌تواند با هم برایمان تکرار شود.

■ شما هم به اتکای به توان داخلی اشاره کردید. بپراه نیست که یکی از مؤلفه‌های

مهم جنگ اتکا به توان داخلی و البته حضور میدانی مردم برای دفاع از کشور بود. البته طبیعی بود که این وضعیت تنگناهای اقتصادی و اجتماعی را هم متوجه مردم و کشور می‌کرد. لطفاً بفرمایید چه چیزی سبب همراهی مردم و در حقیقت تحمل سختی‌های روزمره و طبیعی دوران جنگ بود؟

زمان خیلی از چیزها را نشان می‌دهد. خیلی از مسئولان امتحان پس می‌دهند. آن اوایل انقلاب که جنگ هم یک سال و نیم بعد شروع شد ابتقدر قدرت طلبی بین خواص وجود نداشت. بلکه خدمت کردن ملاک همه آنان بود. مردم هم وقتی اینگونه از مسئولان خدمت صادقانه را می‌دیدند آنان را همراهی می‌کردند. اما الان به قدر زیادی اوضاع متفاوت شده است. واقعیت این است که مردم تا حد زیادی از مسئولان - نه از همه آنان بلکه برخی از آنها که متأسفانه حرف زیاد می‌زدند اما آنچنان که باید و شاید عمل نمی‌کنند - گله دارند. وقتی که مسئولان ضعیف فکر کنند و ضعیف عمل کنند معلوم است که مردم هم ناامید می‌شوند. ان‌شاءالله با روی کار آمدن دولت آقای رئیسی و اقدامات مجلس یازدهم و قوه قضائیه تا حد زیادی بحث فاصله تمام شده و مردم بار دیگر به دولت و سایر مسئولان نزدیک خواهند شد. امیدواریم که بتوانیم در آینده نزدیک خیلی از این مشکلات را حل کنیم تا سبب امیدواری دوباره مردم شود. مخصوصاً فشاری که در دو سال اخیر به طبقات مستضعف از نظر اقتصادی وارد شد، باید جبران شود آن هم نه در حد حرف بلکه در عمل. تا امیدوار شویم تا این فاصله و خلأیی که به وجود آمده پر شود.

■ در سال‌های گذشته برای اثبات اطمینان به جوانان ایرانی به دوران دفاع مقدس اشاره می‌شود که عمده فرماندهان جنگ جوانان بودند. شما از نزدیک با مدیریت نظامی و میدانی جنگ ارتباط داشتید. توضیح دهید این مدیریت بر اساس چه پشتوانه‌هایی استوار بود که به ادعای مکان نتایج قابل دفاعی را در پی داشت؟

آن موقع اول انقلاب بود و مسئولیت سنگین را هر کسی نمی‌پذیرفت. آن کسانی که انگیزه الهی داشتند و از اعتقاد

بالایی برخوردار بودند ایثار و فداکاری می‌کردند و به صحنه می‌آمدند. آن موقع هیچ امتیازی هم برایشان وجود نداشت که بگوییم برای دست یافتن به آن، چنین از خودگذشتگی ای دارند. تنها چون انگیزه الهی بسیار بالایی مخصوصاً در بین جوانان وجود داشت، کارها با حضور خودشان جلو می‌رفت. البته این را هم باید در نظر گرفت که آن کسانی که با به سن گذاشته بودند تفکرشان طاغوتی بود. خیلی از آنان فرار کرده بودند و خیلی‌های دیگر هم به دامن بیگانگان پناهنده شده بودند. پس منطقی بود که به سمت جوانان برای اداره امور کشور بروند. خیلی از جوانان به توصیه حضرت امام مسئولیت پذیرفتند. الان هم تقریباً به لطف خدا هم دولت و هم مجلس تا حد زیادی از جوانان تشکیل شده است. در همین دولت، دهه پنجاهی و شصتی حضور دارند. در مجلس هم اینگونه است. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم مسئولیت‌ها بالاخره به جوانان انتقال داده می‌شود و آنها هم باید خود را نشان دهند. آن موقع جوانان مسئولیت پذیرفتند چون که از قبل از انقلاب خود را ساخته بودند و تزکیه کرده بودند و راه مبارزه را بلد بودند. آنان دوره‌های هرچند کوتاه دیده بودند. تنها بحث درس خواندن نمی‌تواند ملاک باشد. باید این مسئول وقت بگذارد و اول از همه باید ساده زیستی و با مردم زندگی کردن را یاد بگیرد. هر جوانی که نمی‌تواند مسئولیت بپذیرد و بدون تجربه کار کند. آن زمان هم اینگونه نبود که به یکباره یک جوانی را مسئول جای بزرگی قرار دهند. آنان بالاخره مراحل را طی کرده بودند و فشار و سختی هم باعث رشدشان شده بود. جوانان ما همان‌طور که رهبر معظم انقلاب تأکید کردند باید بیایند و راه شهدا و بزرگان را ادامه دهند. البته این به سن و سال هم ربطی ندارد. حد قاسم نمونه خوبی است. او ۶۵ سال سن داشت، خود حضرت امام هنگام پیروزی انقلاب ۷۷ سال سن داشتند و عین یک جوان ۲۵ ساله بودند. خود حضرت آقا همین الان هم در ۸۲ سالگی بیش از همه کار و فعالیت دارد. امثال این افراد کم نیستند. اما باید کم کم تجارب منتقل شود و این کار هم با انگیزه‌ای که جوانان در عمل نشان می‌دهند، محقق خواهد شد.

ذخیره معنوی دفاع مقدس

حسین علیه السلام بود. رزمندگان با الگو قراردادن او و یاران باوفایش که عشق و علاقه را در دل هایشان ششاده و یاد قیامت و احترام به ارزش‌های معنوی را در ذهن آنان تازه نگه داشته، شهادت را برای خود شیرین‌تر از عسل می‌دانستند. همین امر بالاخره دشمن و حامیان جهانی او را به یأس کشاند و سرنوشت نهایی جنگ تحمیلی را به نفع ما رقم زد.

و اما امروز... نیاز داریم که از تک تک آن ارزش‌ها پس از بازشناسی عمیق ریشه‌های آن برای خنثی کردن اقدامات ظالمانه‌ای که علیه ما از طرف مستکبران و طاغوتیان انجام می‌گیرد، استفاده کنیم. روحیه حاکم بر آن مؤلفه‌ها قطعاً امروز هم نجاتبخش ماست و روش انتقال آن روحیه ارزشمند وظیفه مهمی است که بر گردن همه ما سنگینی می‌کند. اگر در این زمینه موفق شویم، قادر خواهیم بود نقشه‌های شومی که علیه ما و وحدت ما و استقلال ما و ناباوری‌هایی که در برخی از مسئولان ما رخ نموده است نقش بر آب کنیم و استهزا و تحقیر دشمنان و منافقان را بی اثر و بدسگالی آنها را خنثی سازیم.

آن تحریبات و روحیه حاکم بر آن و پستی و بلندی‌هایی که در طول ۸ سال بر سر راه ما پیدا شد، کوهی از درس‌ها و ارزش‌های بی‌بدیل برای همه ما است؛ اما متأسفانه در مقابل آن ارزش‌ها امروز نقاط ضعف متعددی در جامعه ما ظاهر شده است: خودخواهی‌ها، تبعیض‌ها، دنیاطلبی‌ها، قانونگریزی‌ها، اسراف، چشم و هم چشمی، فراموش کردن قناعت، ناهنجاری‌های اجتماعی... و به موازات آن حملات مزورانه دشمن را در صحنه فرهنگی ما با توپخانه فضای مجازی، شاهدیم. خطری که امروز ما را تهدید می‌کند کمتر جنبه نظامی مستقیم داشته و بیشتر ابعاد آن فرهنگی اجتماعی است که روی مشکلات توأم با تنگنای اقتصادی سوار و باعث دلسردی شده است. حال نجاتبخش ما در این صحنه جدید نبرد، همان ذخیره معنوی به ارث رسیده از دوران دفاع مقدس است.

«جنگ» در شهریورماه سال ۵۹ در حالی بر ایران ما تحمیل شد که هنوز مشغول ساماندنی عمومی اداره امور کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی بودیم و تشکیلات دفاعی مناسبی در برابر چنین حمله‌ای را نداشتیم. با وجود این خم به ابرو نیاوردیم،

چراکه اول از همه امیدمان به خدا بود و در وهله دوم هم محور وحدت ما حضرت امام راحل بودند. ایشان انسجام بخش نیروهای مختلف کشور بوده و نقش راهشما و هدایتگر را ایفا می‌کردند. آنقدری که همگی با تمام وجود از او تبعیت می‌کردیم. بر اساس همین مبانی هر آنچه در ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی باقی مانده و قابل استفاده بود گردآوری شد و با روحیه‌ای که انقلاب ۵۷ در آنها دمیده بود برای حفظ میهن به پای کار آمد؛ بویژه با اخلاصی که فرماندهان از خود نشان دادند و تا نیل به شهادت پیش رفتند راه پیروزی بر دشمن بر ما هموار شد.

مؤلفه ارزشی سوم که در دوران دفاع مقدس برجسته شد نیروی تازه نفس ولی کم تجربه سپاه بود که اعتقاد راسخ انقلابی و آماجگی برای جانشناسی‌اش موجب اقتدارش شد. این اقتدار در ادامه و با دستور امام راحل مبنی بر تشکیل بسیج به صورت امداد بی نظیری در آمد که تا پایان جنگ بر سرنوشت آن حکمفرما و سایه‌افکن شد. مؤلفه چهارم جهاد خودکفایی بود که در سازمان‌های مختلف شکل گرفت و تمام دانش و تجربه موجود را به کار بست تا آثار ناشی از تحریم‌ها و وابستگی‌های اسارت‌بار را جبران کند و بسیار خوب هم موفق شد. مؤلفه پنجم پشتیبانی‌های مردمی به صورت بی نظیری بود. به گونه‌ای که مردم از مایحتاج خود می‌زدند و به رغم نیاز خود و تنگناهای بسیار تلخی که وجود داشت، ایثار کرده و آنها را برای کمک به رزمندگان به جبهه می‌فرستادند. رفتار ایثارگونه‌ای که نظیر آن را فقط در دوران پیروزی انقلاب دیده بودیم. مؤلفه ششم عشق واقعی و عملی به امام



سیدمصطفی میرسلیم نماینده تهران در مجلس

یادداشت



حسین مفکر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

یادداشت

دفاع مقدس؛ تبلور یک مشارکت ملی

با گذشت بیش از ۳ دهه از پایان دوره دفاع مقدس در کشور ما روز به روز ضرورت احیای برخی از ارزش‌ها و آموخته‌های آن دوران بیش از پیش احساس می‌شود. اصلاً اغراق نیست اگر بگوییم که ما امروز در حسرت برخی از داشته‌های دوران دفاع مقدس خود هستیم. اینکه چرا بخش قابل توجهی از آموخته‌ها و ارزش‌های بنیادین دفاع مقدس در طول زمان توانست سیالیت لازم را در امور جاری کشور پیدا کند، سوآلی است که جای بحث و اندیشه فراوان دارد. در باب این موضوع

می‌توان به مسائل و زوایای متعددی اشاره کرد اما حتماً و ضرورتاً یکی از مهمترین دلایل اینکه ما امروز در حسرت برخی داشته‌ها و ارزش‌های اساسی دوران دفاع مقدس هستیم، دفاع بد، تفسیر سطحی و بازتولید غلط این مقولات است. از این حیث کشور ما دچار چند مشکل شد؛ اول از همه انحصاری شدن فرهنگ و دستاوردهای دفاع مقدس بود. یکی از مهمترین مشخصه‌ها و خصیصه‌های دوران دفاع مقدس، امکان مشارکت‌پذیری بالای جامعه در آن بود. به این معنا که اولاً مشارکت در آن رویداد که در نوع خود یک رویداد بسیار طولانی و فرسایشی هم بود محدود به روش و شیوه خاصی نبود. بارها دیده بودیم که چطور زنان خانه‌دار در آن دوران با محصولات خانگی خود سعی بر حمایت از جبهه‌ها دارند. مردان بسیاری را می‌شناختیم که اگر به هر دلیلی توان رفتن به جبهه نداشتند تلاش می‌کردند از راه‌های دیگر برای مشارکت در این حرکت ملی ایفای نقش کنند. این یعنی آنکه احساس مسئولیت در قبال آن امر مهم به انتخاب و امکان خود شهروندان واگذاشته بود و کسی بابت کم و زیاد بودن سهمش در این کار مورد نکوش نبود. این یک روش هوشمندانه برای هم‌افزایی توان ملی جهت پشتیبانی از جبهه‌های نبرد بود.

ثانیاً آن مشارکت مجاهدانه محدود و منحصر به دیدگاه، جریان فکری و حتی دین خاصی هم نبود. به یاد داشته باشیم که این خصیصه مربوط به شرایط و دورانی می‌شد که جامعه ایران در تب رویدادهای سریع و بزرگ سیاسی قرار داشت و تازه یکی از مهمترین انقلاب‌های قرن را پشت سر گذاشته بود. در آن وضعیت خصوصاً در قشر جوانان که استخوان‌بندی اصلی ستون‌های نبرد را تشکیل می‌دادند، دیدگاه‌ها و مسائل سیاسی و تنوع آن بسیار شایع بود. اما وقتی بحث جبهه و دفاع مطرح بود و همین جوانان در خط مقدم به صف می‌شدند دیگر آن نکتز سیاسی جای خودش را به یک وحدت عمومی می‌داد. این نکته بسیار مهم دیگری در ایجاد اتحاد ملی برای حضور قوی‌تر و مستم‌تر در جبهه‌های جنگ تحمیلی بود. اما مسأله سوم که موضوع بسیار مهمی هم بود به غیردولتی شدن و یا غیرحکومتی شدن کامل دفاع مقدس بر می‌گشت. قطعاً در هر نظام سیاسی، جنگیدن و دفاع کردن از کپان کشور یک اقدامی است که ماهیتی کاملاً حاکمیتی دارد. البته در دوران دفاع مقدس هم نسبت بین جامعه و حاکمیت نسبتی بسیار نزدیک و با میزان اعتماد به مراتب بالاتر از امروز بود. با وجود این حمایت از جبهه‌های نظام و حضرت امام(ره)